

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۰ رجب ۱۴۳۹

جلسه: ۴۵

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

موضوع جزئی: آیه بیست و سوم

﴿اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعِنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ﴾

آیه بیست و سوم

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

اگر در آنچه که ما بر بنده خویش نازل کردیم ریب و شک و تردید دارید، پس به یک سوره از آنچه که او آورده است شما هم اتیان کنید و یک سوره ای مثل سوره های کتاب او بیاورید و به غیر از خداوند از همه کسانی که می‌توانید یاری و مساعدت بطلبید اگر راست می‌گویید.»

این آیه از آیاتی است که هم از ادله اثبات نبوت است و هم از آیات تحدی محسوب می‌شود و نتیجه آن تبیین دروغ معاندان و مخالفان و منافقان است. اینکه گفته شد از ادله اثبات نبوت است، قهراً ملازمه با تحدی هم دارد، تحدی یعنی مبارز طلبی که در واقع برای بیان اعجاز قرآن است، بین اعجاز و نبوت هم ملازمه است، هر نبی قهراً معجزه دارد، بنابراین، این آیه با توجه به مضمونی که دارد هم نبوت را اثبات می‌کند و هم از آیات تحدی محسوب می‌شود.

ارتباط آیه با آیات قبل

ارتباط این آیه با آیات قبل به این بیان است که در آیات قبل بعد از ذکر اقسام سه گانه مردم و سخن از توحید و ابعاد گوناگون توحید، چه توحید در خالقیت و چه توحید در ربوبیت و چه توحید در عبادت و لزوم عبادت و استدلال بر آن نبوت و معجزه آن را بیان می‌کند.

پس اگر بخواهیم مجموع آیات ابتدایی سوره بقره، از آیه اول تا بیست و سوم را در قالب یک نظم منطقی همراه با پیوستگی ملاحظه کنیم، می‌بینید که اول خداوند متعال فرمود مردم بر سه دسته هستند، کافران و منافقان و مؤمنان، ویژگی‌های هر یک از این اصناف ثلاثه هم بیان شد، بعد درباره توحید و نشانه‌های توحید در ابعاد مختلف بیان شد، بعد از بیان اصل اول یعنی توحید اصل دوم یعنی نبوت را بیان می‌کند. نبوت هم چون نیازمند اعجاز است، و کسی که از طرف خدا رسالت دارد و رسول او محسوب می‌شود برای اثبات نبوت خود محتاج معجزه است، اشاره به اعجاز قرآن کرده و مبارز طلبیده است.

اعجاز قرآن هم به جهات مختلف متفاوت از اعجاز انبیاء گذشته است، ما در بحث مقدمات تفسیر به وجوه اعجاز قرآن اشاره کردیم، هم از نظر محتوایی و از نظر شکلی، هم قالب‌های لفظی و ادبی و صناعت‌های زبانی وهم محتوا و مضامین

آیات، آن هم از ناحیه امی درس نخوانده در آن محیط به نحوی که در همه اعصار و قرون این وجوه کاملاً آشکار و روشن باشد.

مهمترین ویژگی قرآن از حیث اعجاز، جاودانگی آن است، معجزات سایر انبیاء این خصوصیت را نداشته، بلکه آنها برای تکمیل اعجاز باید خودشان در کنار معجزه و اتفاق سخن می‌گفتند، و بیان می‌کردند، آن اتفاق خارق عادت را توضیح می‌دادند که از کجا ناشی شده است و به چه مبدای اتصال دارد، ولی این معجزه، معجزه ای است که در همه اعصار بدون حضور نبی اعجاز آن آشکار و روشن است.

مهم مضمون این آیه است که خداوند متعال در این آیه تحدی می‌کند و از مردم و از معاندان و کافران طلب می‌کند که اگر شما راست می‌گویید، اگر در ادعای خود صادق هستید یک سوره مثل سوره های قرآن بیاورید.

اقسام تحدی

دعوت به مقابله به مثل و تحدی در چند موضع قرآن به اشکال مختلف صورت گرفته است:

۱. در جایی تعبیر به «مثل هذا القرآن» است، یعنی دعوت به آوردن مثل قرآن و کتاب، تحدی به مثل قرآن شده است، مثل آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۱، در اینجا به پیامبر می‌فرماید، بگو که اگر جن و انس جمع شوند بر اینکه مثل این قرآن بیاورند قادر به آوردن مثل قرآن نخواهند بود، ولو اینکه به کمک و مساعدت و یاری یکدیگر بشتابند، ولو اینکه بعضی از اینها ظهیر بعضی دیگر بشوند. این سوره در مکه نازل شده است.

۲. در موضع دوم طلب اتیان به ده سوره شده است «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲، این آیه هم در مکه نازل شده است و می‌فرماید: آیا می‌گویند که پیامبر بر خدا افتراء بسته است سخن خودش را به نام سخن خدا جا می‌زند، بگو به اینها که اگر اینگونه است پس شما ده سوره مثل سوره‌های قرآن بیاورید و هر کسی را هم که می‌خواهید به غیر از خدا به یاری بطلبید.

۳. در موضع سوم سخن از یک سوره است، یعنی تحدی به یک سوره می‌شود «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۳، که این آیه هم در مکه نازل شده است، می‌گویند: پیامبر بر خدا افتراء بسته است، بگو: اگر شما می‌توانید یک سوره مثل سوره های قرآن بیاورید.

۴. البته در یک جا تعبیر متفاوت است، و إلا یا تعبیر به تحدی به کل قرآن است یا تحدی به ده سوره است و یا تحدی به یک سوره، فقط در یک جا تعبیر به حدیث آمده است، در آیه «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^۴، اگر راست می‌گویید یک سخنی مثل قرآن بیاورید.

۱. سوره اسراء، آیه ۸۸.

۲. سوره هود، آیه ۱۳.

۳. سوره یونس، آیه ۳۸.

۴. سوره طور، آیه ۳۴.

ظاهر کلمه حدیث این است که کل قرآن و تمام قرآن منظور است، لذا ما این را می‌توانیم داخل در همان قسم اول قرار دهیم و قسم مستقلی نباشد، ظهور کلمه حدیث این است که اگر راست می‌گویید شما هم یک سخن مثل قرآن بیاورید، این احتمال شاید ظاهر تر باشد، هرچند کلمه حدیث این قابلیت را دارد که بر یک جمله ای حتی کمتر از سوره هم صدق کند، این احتمال هم قابل توجه است، یعنی ما در مورد حدیث دو احتمال می‌دهیم، طبق یک احتمال به قسم اول بر می‌گردد، یعنی کل قرآن، طبق احتمال دیگر به هیچ یک از این اقسام بر نمی‌گردد، بلکه می‌خواهد بگوید شما حتی یک جمله ولو در حد یک آیه بیاورید.

اگر احتمال دوم را بپذیریم قهراً این مورد یک قسم چهارم می‌شود، یعنی کأن تحدی به چهار صورت واقع شده است: تحدی به کل قرآن، تحدی به ده سوره، تحدی به یک سوره و تحدی به کمتر از یک سوره.

دلیل اختلاف در تحدی

علی ای حال آنچه در آیه بیست و سوم سوره بقره آمده است قسم سوم تحدی است، آن سه آیه ای که نقل کردیم هر سه در مکه نازل شده بود، اما این آیه در مدینه نازل شده است و معلوم می‌شود که این تحدی و مبارزه طلبی از ابتدای نزول قرآن در مکه و سپس در مدینه همواره بوده است، منتهی در اینجا سوال اساسی این است که چرا تحدی به اقسام و انحاء مختلف صورت گرفته است، وجه اختلاف تحدی به قرآن و ده سوره و یک سوره و یک سخن چیست، دو وجه می‌توان برای اختلاف تحدی ذکر کرد:

وجه اول: این است که این اختلاف بواسطه اختلاف اشخاص است، یعنی برخی ادعا می‌کردند قرآن که چیزی نیست، ما کل قرآن را می‌آوریم. در مقابل اینها تحدی به مثل قرآن شده است، برخی ادعای اتیان به ده سوره را داشته اند و برخی هم ادعای اتیان به یک سوره، در مقابل هر ادعایی متناسب با آن ادعا این تحدی مطرح شده است، مثلاً اگر در جایی گفته شده که مثل قرآن بیاورید این در برابر کسانی بوده که چنین ادعایی داشته‌اند، اگر در جایی تحدی به ده سوره کرده در برابر کسانی بوده که مدعی آوردن به ده سوره مثل قرآن بوده اند، و کذلک کسی که ادعای آوردن یک سوره داشته در مقابل او این تحدی صورت گرفته است.

وجه دوم: اینکه این اختلاف به دلیل اختلاف ازمنه بوده است، در اوائل بعثت ادعای اتیان به مثل داشته اند، یعنی مثل قرآن، می‌گفتند ما می‌توانیم مثل همه این کتاب را بیاوریم، بعد که دیدند نمی‌توانند ادعای اتیان به ده سوره کردند و وقتی آن هم ممکن نشد ادعای اتیان به یک سوره کردند.

اشکال

اینجا فقط یک مطلب باقی می‌ماند و آن اینکه اگر در اوائل بعثت ادعای اتیان به مثل قرآن داشته اند، سوال این است که اوائل بعثت هنوز قرآن کامل نشده بود، و اساساً در اواسط بعثت هم همینطور، لذا ادعای اتیان به مثل قرآن وجهی نداشته تا خداوند هم در مقابل تحدی کند و بفرماید «لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ».

علی ای حال این سوال و این اشکال می‌تواند در اینجا مطرح شود که در اوائل بعثت چگونه ممکن بوده برخی ادعای اتیان به مثل آن کتاب را داشته اند در حالی که هنوز کتاب و قرآن کامل نشده بود.

پاسخ

پاسخ این اشکال این است که شاید از این جهت بوده است که بالاخره پیامبر این ادعا را داشته که من کتاب خدا را به شما عرضه می‌کنم ولو همه آن اظهار نشده بود و به مناسبت برخی آیات بیان می‌شد و مردم مطلع می‌شدند اما نفس اینکه قرار بود یک کتابی از ناحیه خداوند نازل شود معلوم بوده است. چنانچه در ادیان گذشته هم اینگونه بوده است، لذا اینها می‌دانستند آنچه پیامبر برای آنها خواهد آورد یک کتاب است، بر همین اساس ادعای آوردن یک کتاب می‌کردند که این چیزی نیست، همه آنچه که پیامبر می‌خواهد بیاورد ما می‌توانیم بیاوریم لذا تحدی هم بر همین اساس صورت گرفته است.

البته اینکه ما عرض کردیم اختلاف در تحدی به اعتبار اختلاف اشخاص یا اختلاف ازمنه بوده است و افراد مختلف ادعاهای مختلف داشته اند یا در زمانهای متفاوت ادعا می‌کردند، این بوسیله گزارش‌های تاریخی هم تقریباً تأیید شده است هرچند در برخی از کتاب‌ها از برخی نام برده شده است که اینها چنین ادعاهایی کرده اند و بعضاً سور و آیاتی را جعل کرده اند که مثل قرآن باشد، در گزارش‌های تاریخی نمونه‌هایی از اینها ذکر شده است، مثلاً ابن مقفع یا ابوالعلاء معری، از اینها نام برده شده که آیات و سوری را آورده‌اند و در مقابل پیامبر مدعی بوده اند اما این گزارش‌ها خیلی مستند نیست، از جمله کسانی که ادعایی در برابر قرآن داشته، مسیلمه کذاب بوده است در کتابهای تاریخی حتی نمونه‌هایی که او آورده در مقابل قرآن نقل کرده اند که این هم پاسخهایی است که قرآن به آنها داده است.

بحث جلسه آینده

چند نکته باقی مانده که عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»